

## اثر رانت منابع طبیعی و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی: شواهدی از کشورهای صادرکننده نفت\*

سجاد فرجی دیزجی<sup>۱</sup>

استادیار گروه توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی  
دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس

حسین صادقی<sup>۲</sup>

دانشیار گروه توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی دانشکده  
مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس

زهرا لطفی<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد اقتصاد انرژی دانشکده مدیریت و  
اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۶/۳۱

### چکیده

بانک مرکزی به عنوان بالاترین مقام پولی کشور برای دستیابی به اهداف خود که مهم‌ترین آن کنترل تورم است به استقلال نیازمند است هر مانعی که عرضه پول را از کنترل بانک مرکزی خارج کند استقلالش را به زیر سوال برده است. عنصر اصلی این استقلال هم ایجاد محدودیت اعتبار برای دولت است به گونه ای که جلوی استقراض آزادانه از بانک مرکزی را بگیرد. مهم‌ترین دلیلی که دولت از بانک مرکزی استقراض می‌کند کسری بودجه است.

این پژوهش به بررسی اثر رانت منابع طبیعی، توسعه سیاسی و اثر تعاملی آنها بر استقلال بانک مرکزی در

\*- نوع مقاله پژوهشی

۱- نویسنده مسئول s\_dizaji@modares.ac.ir

2- sadeghih@modares.ac.ir

3- zahralotfi@modares.ac.ir

DOI: 10.22067/pm.v27i19.85422

کشورهای صادرکننده نفت می‌پردازد. به همین منظور ما از روش داده‌های پانل برای داده‌های سالانه مربوط به ۲۵ کشور بهره‌مند از رانت نفتی و طی سالهای ۲۰۰۰ - ۲۰۱۲ استفاده خواهیم کرد. نتایج پژوهش اثرات منفی و معنادار رانت نفت و همین‌طور رانت کل منابع طبیعی بر استقلال بانک مرکزی در کشورهای مورد مطالعه را تأیید می‌کنند. با این وجود نتایج آماری تاثیر معنادار رانت گاز و رانت جنگل بر استقلال بانک مرکزی را تأیید نمی‌کنند. علاوه بر آن یافته‌ها نشان می‌دهند که اگرچه کیفیت نهادهای سیاسی تأثیر مثبت بر استقلال بانک دارند ولیکن اثر تعاملی رانت نفت و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی منفی است. این نتیجه دلالت بر آن دارد که رانت‌های نفت تأثیر مثبت نهادهای سیاسی بر استقلال بانک مرکزی را تضعیف می‌کنند.

### طبقه بندی JEL: O11, Q3, E58

**واژگان کلیدی:** استقلال بانک مرکزی، درآمدهای نفتی، توسعه سیاسی

### مقدمه

از مسائل بسیار بحث برانگیز بعد از جنگ جهانی دوم، رابطه بانک مرکزی با دولت است گروهی با تاثیرپذیری از جریان‌ات مارک آلمان بعد از جنگ جهانی اول و نظایر آن بر این عقیده‌اند که چون دولت مصرف‌کننده پول است نباید ایجادکننده آن نیز باشد و یک بانک مرکزی وابسته به دولت با ایفای نقش خاصی شبیه بازوی فنی خزانه‌داری، در واقع به دولت اجازه می‌دهد که پول مورد نیاز خود را تولید کند و این امر با تاثیر بر درآمدهای پولی معمولاً به تورم‌های شدید می‌انجامد هم‌چنین این امر با برخورداری دولت از دسترسی به یک منبع آسان مانع از ایجاد منابع مشکل‌تر ولی سالم‌تر از قبیل مالیات بر درآمد می‌گردد. اما مالیات بالاخره در لفاف قیمت‌های تورمی به مصرف‌کننده بدون آنکه ارتباط مشخصی با درآمد آنها داشته باشد تعلق می‌گیرد و بنابراین سنگینی آن متوجه درآمد ثابت خواهد بود. نتیجه اینکه دستگاه ایجاد و مصرف پول را باید از یکدیگر جدا کرد و این امر بدون استقلال بانک مرکزی امکان‌پذیر نیست (Madalat, 2000). وجود یک بانک مرکزی مستقل یکی از ارکان نظام اقتصادی کارآمد است چرا که سبب کاهش کسری بودجه شده و در نتیجه پول کمتری انتشار خواهد یافت و هرچه سیاست پولی قادر باشد بر سیاست مالی برتری جوید آنچه به ارمغان خواهد آمد مرجع مالی منضبط‌تر است.

هر مانعی که سبب شود عرضه پول از کنترل بانک مرکزی خارج شود محدودیتی بر استقلال بانک مرکزی محسوب می‌شود که یکی از این عوامل کسری بودجه دولت است. کسری بودجه از آنجا نشأت می‌گیرد که هزینه‌های دولت بر درآمدهایش پیشی گرفته باشد. این امر در کشورهای متکی به رانت که اغلب درآمدهای بودجه‌ی خود را براساس درآمد حاصل از رانت پایه‌ریزی می‌کنند و هرگونه کاهشی در این درآمدها سبب برهم خوردن معادلات و پیش‌بینی‌ها می‌شود تجلی بیشتری دارد. در نتیجه این دولت‌ها برای جبران کسری بودجه خود به استقراض از بانک مرکزی که آسان‌ترین و ارزان‌ترین روش است روی می‌آورند و دولت‌ها با تامین کسری از منابع بانک مرکزی خواسته یا ناخواسته سبب استمرار تورم می‌شوند.

در این میان اما وجود نهادهای سیاسی قوی و کارآمد سبب می‌شود که دولت نتواند با فشار به بانک مرکزی در پی رسیدن به اهداف کوتاه مدت و موقتی خود استقلال بانک مرکزی را زیر سوال برده و آینده اقتصادی کشور را متشنج کند. در اقتصادهای رانتی دولت‌ها به پشتوانه‌ی درآمد حاصل از رانت انگیزه‌ای برای وضع مالیات بیشتر ندارند به همین دلیل با توسل جستن به مالیات تورمی در پی رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت خود هستند در این بین وجود بانک مرکزی مستقل سبب جلوگیری از این اتفاق خواهد شد.

با توجه به نقش مهم و اساسی بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی و لزوم داشتن استقلال در دستیابی به اهداف خود، این تحقیق قصد دارد تا عوامل اثرگذار بر استقلال بانک مرکزی را مورد بررسی قرار دهد و از آنجا که در اغلب کشورهای صادرکننده نفت درآمدهای نفتی اقتصاد را زیر سلطه خود قرار داده و با وجود تمایل یا عدم تمایل دولت‌ها سبب زیر سوال رفتن اختیارات اغلب نهادها گشته است در این تحقیق به بررسی اثر رانت نفت و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی خواهیم پرداخت. در کنار رانت نفت به بررسی نحوه تاثیرپذیری استقلال بانک مرکزی از سایر رانت‌ها من جمله رانت گاز، رانت جنگل و رانت کل نیز پرداخته شده است. لذا پس از مقدمه ادبیات نظری و مطالعات پیشین ارائه می‌شود و در ادامه به بیان روش و مدل و نتایج حاصل از تحقیق پرداخته خواهد شد و بخش پایانی به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی اختصاص دارد.

## ادبیات نظری

بانک مرکزی نهادی است که هدف آن کسب سود نیست. هدف اصلی بانک مرکزی تنظیم جریان پول و اعتبار در اقتصاد است و بانک مرکزی به عنوان ابزاری جهت کنترل پول و اعتبار در کشور برای دولت است. واقعیت آن است که وظیفه بانک مرکزی در ایجاد شبکه پولی سالم در کشور را باید به مراتب با اهمیت دانست و اگر بانک مرکزی بتواند سلامت حرکت نقدینگی را تضمین کند کمک شایانی به سالم سازی اقتصاد و پایه گذاری توسعه انجام داده است. بانک مرکزی به عنوان وام دهنده نهایی در زمان های بحران نقدینگی می تواند اقتصاد را از سقوط برهاند و به عنوان ضامن سلامت بانکی کشور می تواند اعتماد عمومی را چنان جلب کند که منابع مالی پس اندازی مردم به سیستم بانکی راه یابد و پایه ای پر قدرت برای راه اندازی اقتصاد و توسعه باشد (Madalat, 2000). با توجه به اینکه بانک مرکزی مهم ترین نهاد اقتصادی هر کشوری است برقراری ثبات پولی و مالی از جمله وظایف آن است. لذا بانک برای دستیابی به اهداف خود نیازمند استقلال است. منظور از استقلال بانک مرکزی این است که بانک مرکزی بتواند در جهت دستیابی به اهداف خود طبق مصالح اقتصادی سیاست های پولی خود را به گونه ای اتخاذ و اجرا نماید که از هر گونه فشار سیاسی در امان بوده و خود به تنهایی در قبال نتایج حاصل از این تصمیمات پاسخگو باشد. استقلال بانک مرکزی یعنی تمایز قائل شدن میان سیاست های پولی و مالی که سبب رهایی بانک مرکزی از سیطره ی دولت خواهد شد و بانک با مصونیت از هر گونه فشار سیاسی به ویژه از جانب دولت و اتخاذ سیاست های پولی بی طرف که به اقتضای شرایط اقتصادی است با کاهش هر گونه دخالت و اختیار از جانب دولت در راستای دستیابی به اهدافی چون افزایش تولید ملی برآید و حفظ ارزش پول ملی را ضمانت کند.

Adeli(1990) به نقل از دی کک یکی از متخصصین بانکداری مرکزی متقدم عقیده دارد که اهمیت بانک مرکزی به این است که وظایف و هدف هایش در جهت رفاه مادی کل جامعه باشد و لذا اگر چه نظارت عالی دولت بر بانک مرکزی لازم است اما باید به گونه ای باشد که بانک را در برابر خواسته های دولت یا قوه مقننه - که در بسیاری اوقات نسبت به مسائل پولی نظریات خاص سیاسی دارند و در بلندمدت یا حتی کوتاه مدت برای اقتصاد کشور سخت زیان بار است -

و ادار به تسلیم نکند. او استدلال می کند که قطعاً به نفع دولت است اگر که بگذارد بانک مرکزی قضاوت و نظر خود را به طور مستقل و به دور از هرگونه رنگ سیاسی ارائه کند.<sup>۱</sup>

یکی از اهدافی که دولت‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه برای خود متصورند دستیابی به رشد اقتصادی است به همین دلیل برای اجرای پروژه‌های خود اغلب نیاز به تامین مالی عظیمی دارند و از آنجا که بودجه تعیین کننده فعالیت‌های اقتصادی دولت است، شکافی عمیق میان درآمد و هزینه دولت را پدید می آورد که تحت عنوان کسری بودجه به نمایش عموم درمی آید. به علت ضعف پایه‌های مالیاتی و عدم گسترش بازارهای پولی و مالی دولت‌ها راهی جز پناه آوردن به بانک مرکزی ندارند. چنانچه بانک‌ها نیز از استقلال کافی در این زمینه برخوردار نباشند به ناچار به جای تامین اعتبار بخش خصوصی به برطرف کردن کسری‌های دولت خواهند پرداخت که این امر سبب کاهش تولیدات و افزایش قیمت‌ها می گردد.

سیسیل کیش معتقد بود کنترل روی بانک مرکزی باعث می شود که گروه‌های دارای نفوذ سیاسی بتوانند عقاید خود را بر بانک تحمیل کنند به این ترتیب جهت گیری بلندمدت بانک را منحرف سازند. به طور کلی استقلال بانک مرکزی تا حدود زیادی بر کنترل و مهار تورم، ثبات قیمت‌ها و رشد تولید ناخالص ملی کمک می کند (Adeli, 1990).

استقلال بانک مرکزی سبب می شود تا بانک در انجام مهم ترین وظیفه خود که همان کنترل نقدینگی است پر قدرت ظاهر شده و به موجب آن شاهد کاهش تورم باشد و در برابر تمایلات دولت مبنی بر شرایط آسان دسترسی به منابع پولی و فشارهای سیاسی ناشی از آن از خود مقاومت نشان داده و ایستادگی کند. چنانچه بانک مرکزی ناچار به تامین مالی برای دولت بی هیچ محدودیتی باشد و دولت در مواجهه با هر تزلزلی در سیاست‌های مالی خود از جمله کسری بودجه و مواجهه با بحران‌های پیش آمده با تحت فشار قراردادن بانک مرکزی در انتشار پول، درصدد رفع ظاهری مشکل خود بر آید سبب می شود دولت با سرپوش نهادن به مسائل خود کار را برای دولت‌های بعدی دشوار کرده و به ضرر اهداف بلندمدت اقتصاد گام بردارد. ضروری است تا بانک مرکزی با استقلال بخشیدن به عملکرد خود مانع از دستیابی دولت به اهداف خود و قربانی

1. DE KOCK . Opcit . pp . 329 -330

کردن منافع بلند مدت اقتصادی در راستای تحقق اهداف کوتاه مدت برآید. استقلال در طبیعت وظایف بانک مرکزی نهفته و لزوم استقلال نظام و مدیریت پولی یک کشور از نفوذ سیاست‌ها و برنامه‌های به ویژه کوتاه مدت دولت‌ها و منافع گروه‌های مختلف سیاسی از جمله مهم‌ترین علل پیدایش بانک‌های مرکزی و ایجاد آن در کشورهای مختلف جهان است. اساسا استقلال بانک مرکزی به شرایط سیاسی داخلی و هم‌چنین درجه توسعه و رشد اقتصادی کشور بستگی دارد (Adeli, 1990). بانک‌های مرکزی مستقل قادرند سیاست‌های صحیح تری نسبت به بانک‌های مرکزی وابسته تنظیم و اجرا کنند سیاست‌های مستقل پولی نیز به نوبه خود دارای آثار مثبتی در متغیرهای اقتصاد کلان است وقتی بانک مرکزی از نفوذ و فشارهای سیاسی مصون باشد می‌تواند تورم را مهار کند، از کسری بودجه دولت تا حدی بکاهد، به رشد تولید ملی سرعت بخشد و نرخ بهره را نیز به تعادل نزدیک‌تر کند (The same source).

فارغ از این مساله در کشورهایی مانند ایران صادرات نفت علاوه بر ایجاد درآمدهای دولت سبب ارزآوری برای کشور نیز می‌باشد. هر افزایش در درآمدهای نفتی سبب انباشت دارایی ارزی بانک مرکزی و هر کاهش در درآمد نفتی سبب افزایش دیون دولت به بانک مرکزی می‌شود، این امر سبب می‌شود بانک مرکزی نتواند آن گونه که باید عمل کند چرا که هر دو این موارد سبب افزایش پایه پولی و رشد بالای نقدینگی می‌شود. رشد بی حد و حصر نقدینگی اگر با ثبات در تولید همراه باشد تنها نرخ تورم را افزایش می‌دهد. با توجه به آثار مخربی که تورم بر اقتصاد می‌گذارد یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان اقتصادی مهار تورم است. تورم درآمد را از دست حقوق بگیران خارج کرده و به سمت صاحبان دارایی سوق می‌دهد و در بلندمدت سبب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود علاوه بر این تورم نیز به خودی خود سطح رفاه خانوارها را هدف قرار داده ثبات اقتصادی و سیاسی را متزلزل می‌کند که این موارد در تضاد با اهداف بانک مرکزی است.

اساسی‌ترین هدف بانک مرکزی کنترل تورم پایدار است اگر هدف کشوری کاهش تورم بدون آسیب رساندن به رشد اقتصادی باشد چاره‌ای جز برپایی بانک مرکزی مستقل نمی‌ماند، فقط یک بانک مرکزی مستقل است که توانایی کاهش کسری بودجه و مالیات تورمی را خواهد داشت.

استقلال بانک مرکزی به آن معنا نیست که بانک مرکزی آزادی مطلق دارد و نباید به سیاست‌های دولت توجهی داشته باشد بلکه باید سیاست‌های پولی خود را متناسب با شرایط

اقتصادی و مراحل توسعه‌ای کشور به کارگیرد تا ضمن کنترل تورم، باعث رکود و بیکاری نشود و در عین حال بتواند انگیزه و تحرک لازم در اقتصاد کشور به وجود آورد (Vahedi, 2015).

لازم به ذکر است اعطای استقلال به بانک مرکزی در صورتیکه با پاسخگویی این بانک نسبت به تصمیمات اتخاذ شده در قبال مردم همراه نباشد زمینه ساز خودمختاری این نهاد شده و سبب جولان آشکار و نهان گروه‌هایی خواهد شد که در این رابطه ذینفع هستند.

منبع اصلی درآمد بودجه در اغلب کشورهای صادرکننده نفت درآمدهای نفتی است. نفت به عنوان مهم‌ترین منبع تامین انرژی ثروتمندی را برای دارندگانش به ارمغان آورده است و اغلب کشورهای صادرکننده نفت با ارتزاق از این منبع چرخ اقتصادی خود را به گردش درآورده‌اند اما این درآمد باد آورده با خود بی‌ثباتی را نیز روانه اقتصاد کرده است و متأسفانه به علت وابستگی بودجه دولت‌ها به درآمدهای نفتی هر نوسانی در بازار نفت به سرعت اقتصاد را متزلزل می‌کند. چنانچه کشورهای صادرکننده نفت، درآمدهای حاصل از فروش خود را در تامین مالی پروژه‌های توسعه‌ای صرف کنند قادر خواهند بود با سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی خود در زمره‌ی موفق‌ترین کشورهای جهان قرار گیرند و منابع طبیعی برای این کشورها به مانند پشتیبانی برای رسیدن به رفاه مادی و توسعه اقتصادی بیشتر باشد. اما آنچه قابل مشاهده است این است که برخی کشورها علی‌رغم بهره‌مندی از این سرمایه‌ها با عملکرد ضعیف خود در بخش اقتصادی و ضعف‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی امروزه از لحاظ شاخص اجتماعی و اقتصادی جزء سطوح پایین کشورهای در حال توسعه هستند. نه تنها نفت بلکه هرگونه رانت به علت اینکه به راحتی و بی‌دغدغه در اختیار صاحبانش قرار گرفته است اغلب موجب وابستگی اقتصاد شده و توهم دسترسی بدون محدودیت به این رانت‌ها سبب گشته تا شاهد برنامه درست، اصولی و بلندمدتی از جانب دولت‌ها در بهره‌مندی از این نعمت خدادادی نباشیم.

با اینکه بهره‌مندی از منابع طبیعی فراوان یک پشتوانه و دارایی بزرگ برای توسعه اقتصادی است ولیکن بعضی مواقع دامی است که به رشد قهقرائی اقتصاد منجر می‌شود. تعادل اقتصاد سنتی و محدود ایران با ورود درآمدهای نفتی و تزریق این درآمدهای پولی - که مستقل از ظرفیت مولد واقعی اقتصاد کشور حاصل می‌شد - علاوه بر آثار اقتصادی - اجتماعی دیگر در ساختار سیاسی حکومت نیز اثر گذاشته است به نحوی که به تدریج دولت از طبقات و آحاد جامعه مستقل و مستغنی گردیده و به تدریج با افزایش قدرت و سلطه دولت، نفوذ مردم و سایر نهادهای مردمی و

مدنی کاهش یافته است لذا در ایران اقتدار دولت نه تنها ریشه در افزایش توان اقشار مردم و رشد واقعی و درونی اقتصاد ملی نداشته حتی به اقشار خاص مثل سرمایه داران و زمین داران نیز متکی نبوده است بلکه وجود منبع غنی درآمدهای نفتی دولت را از همه بی نیاز کرده است (Behboodi, 2006).

در مجموع باید گفت درآمدهای نفتی که بر طبق فرض باید موجب تسهیل فرایند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی می شد سبب تهی شدن منابع کشور، مشوق رشد فعالیت های شهری کاملاً وابسته به درآمدهای نفتی، تغییر توزیع درآمد و ثروت به نفع یک اقلیت کوچک و ایجاد عدم تعادل تولیدی و مصرفی و نتیجتاً نرخ های بالای تورم می گردد، خطر بیکاری دیرپا را مطرح می سازد، بخش کشاورزی و جامعه روستایی را نابود می کند و به تعارضات اجتماعی و بی نظمی روان شناختی می انجامد (Katozian, 2012).

با توجه به اینکه منبع اصلی درآمدهای ارزی ایران نیز از طریق صادرات نفت تامین می شود این درآمد نفت است که چرخ اقتصادی کشور را به چرخش درآورده است و عمده فعالیت های اقتصادی حول این محور شکل گرفته است. اما وابستگی شدید بودجه دولتی به این منبع زمینه ساز انتقال بی ثباتی به اقتصاد گردیده است. چرا که همواره نوسانات موجود در بازار جهانی نفت بر عملکرد اقتصادی کشور اثرگذار بوده و اقتصاد را با تلاطم مواجه کرده است. با افزایش درآمدهای نفتی و به تبع آن افزایش درآمدهای ارزی حاصل از آن به موجب افزایش خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی پایه پولی و حجم نقدینگی نیز افزایش می یابد که موجب افزایش تقاضای کل می گردد. از طرفی زمینه افزایش واردات نیز فراهم می شود این افزایش سریع تقاضا و پیشی گرفتن آن بر تولید و عرضه زمینه ساز بروز تورم می گردد. کاهش درآمدهای نفتی که ماحصل آن کاهش درآمدهای ارزی است سبب کاهش واردات مواد اولیه، کاهش تولید و کاهش عرضه می گردد. هم چنین با ایجاد کسری بودجه برای دولت، دولت را ناچار به استقراض از بانک مرکزی می کند این استقراض سبب افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی می گردد و در پی افزایش نقدینگی شاهد افزایش تقاضای کل هستیم اما چون این اتفاق توأمان با کاهش عرضه روی می دهد اقتصاد با پدیده تحت عنوان رکود تورمی مواجه می گردد.

با اثرپذیری از نوسانات قیمت نفت کنترل پایه پولی از دست مقامات دولتی خارج شده و بانک مرکزی تحت تاثیر سیاست های مالی و درآمد نفت واقع می شود. اما تاثیر درآمد نفت بر



استقلال بانک مرکزی از شفافیت لازم برخوردار نیست و نمی‌توان در رابطه با آن قطع به یقین اظهار نظر کرد.

همانگونه که Dizaji (2014) نیز بیان می‌کند هرگونه شوک منفی نفتی سبب اثرگذاری شدید بر کل درآمدهای دولت شده و با پدید آمدن کسری بودجه و فشار تورمی بر کل اقتصاد موجب نوسانات عرضه پول و نقدینگی می‌شود. علاوه بر این ذخایر ارزی نیز وابستگی شدید به صادرات نفت دارد و هرگونه شوک نفتی سبب بروز اثرات منفی بر تولیدات صنعتی می‌گردد. با استناد به این نتایج می‌توان بیان کرد که با وقوع شوک‌های مثبت رانتی و افزایش هرچه بیشتر درآمدهای حاصل از رانت شاهد افزایش درآمدهای دولت خواهیم بود و این امر سبب می‌شود تا دولت بی‌نیاز از سایر نهادها با اتکا به این سیل عظیم درآمدی درصدد تحقق برنامه‌ها و اهداف خود برآید. هرچه منبع درآمدی دولت تحقق بیشتری یابد در نتیجه دولت کمتر با کسری بودجه مواجه خواهد شد. به عبارتی تحقق برنامه‌های دولت مانع از نفوذ و دخالت آن در برنامه‌ها و تصمیمات سایر ارگان‌ها از جمله بانک مرکزی خواهد شد. اگر دولت با کسری بودجه مواجه نشود یا این کسری محدود بوده و زبانی به برنامه‌های اصلی دولت وارد نسازد، دولت نیز کمتر به بانک مرکزی فشار وارد می‌نماید و درصدد استقراض از این بانک به منظور رفع کسری و تحقق برنامه‌های خود برمی‌آید. از این رو می‌توان اینگونه استنباط کرد که با افزایش درآمدهای رانتی شاهد بهبود استقلال بانک مرکزی خواهیم بود. با توجه به اینکه کشورهای منتخب کشورهای صادرکننده نفت می‌باشند و رانت قالب در این کشورها عمدتاً رانت نفت است تجلی تاثیر هر گونه نوسانی در رانت نفت بر عملکرد اقتصاد این کشورها ملموس تر از سایر رانت‌های دیگر است.

از طرفی به علت وابستگی ذخایر ارزی کشور به صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن با افزایش درآمدهای نفتی شاهد افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی خواهیم بود و بانک مرکزی با فشار از جانب دولت برای تزریق این درآمدها به اقتصاد مواجه می‌شود. این اقدام بانک مرکزی با ایجاد نوسان در پایه پولی عرضه پول را تحت تاثیر قرار می‌دهد. افزایش پایه پولی رشد لجام گسیخته نقدینگی را به همراه می‌آورد که این عوامل باعث تضعیف استقلال بانک مرکزی می‌شود.

با توجه به نقش مهمی که درآمد حاصل از رانت به ویژه رانت نفت در سیاست‌های پولی و

مالی کشورهای صادرکننده دارد و تاثیرپذیری عمیق بودجه دولت‌ها از این درآمدها شاهد پیچیدگی هرچه بیشتر سیاست‌های مالی و پولی می‌باشیم.

افزایش قیمت نفت برای کشورهای صادرکننده نفت با درجه استقلال ضعیف‌تر بانک مرکزی به سیاست‌های پولی انبساطی در قالب رشد بالای نقدینگی و متعاقب آن تورم منجر می‌شود. درحالی‌که همین افزایش قیمت در کشورهای صادرکننده نفت که بانک مرکزی در آن‌ها از استقلال کافی برخوردار است با سیاست‌های پولی کنترل‌شده تری همراه است (Asgari, 2006). در این میان نباید از نقش نهادها در تاثیرپذیری اقتصاد و سیاست‌های پولی و مالی دولت از درآمدهای نفتی غافل شد.

نهادها عبارتند از قواعد رسمی نظیر قوانین و مقررات و قواعد غیررسمی نظیر عرف‌ها و هنجارها که سازنده و تسهیل‌کننده تعاملات انسان‌ها در یک جامعه می‌باشند. نهادها اعم از رسمی و غیررسمی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بوده و می‌توانند بخشی از علل موفقیت یا ناکامی فرآیندهای توسعه در کشورهای مختلف را توضیح دهند (Azarmand, 2006). نهادها اعم از رسمی و غیررسمی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و محدودیت‌های اقتصادی بوده و می‌توانند اثربخشی فرآیندهای توسعه در کشورهای مختلف را توضیح دهند. نهادها عبارتند از قواعد رسمی نظیر قوانین و مقررات و قواعدی که سازنده و تسهیل‌کننده تعاملات یک جامعه می‌باشند. در کشورهای در حال توسعه با توجه به نقش تعیین‌کننده کانون‌های قدرت و نهادسیاسی در فرایند توسعه، بررسی نقش دولت و نهادها ضروری به نظر می‌رسد. عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، سیاست‌های دولت، نظام‌های حقوقی شکل‌دهنده محیط‌های اقتصادی برای تولید و شکوفایی اقتصاد هستند (Homayouni, 2016). آنچه سبب پدید آمدن نهادها شده است هزینه مبادله است با توجه به اینکه در هر تعاملی افراد به دنبال نفع شخصی خود هستند همچنین از اطلاعات کامل و متوازی هم نسبت به شرایط مختلف برخوردار نمی‌باشند در نتیجه در مبادلات اقتصادی و سیاسی با نوعی عدم اطمینان مواجه‌اند که این عدم اطمینان هزینه‌بر است و از این هزینه تحت عنوان هزینه مبادله یاد می‌شود.

نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند یا به عبارت سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند (North, 1998). نقش عمده نهادها در جامعه این است که زمینه و ساختاری از پیش تعیین شده را ایجاد کنند که با مقید و محدودسازی

در رفتار و عوامل انسانی و سازمانی، عدم اطمینان در تعاملات و مبادلات اقتصادی و سیاسی افراد و سازمان با یکدیگر را کاهش می‌دهند و به تبع آن هزینه مبادله نیز کاهش خواهد یافت (Zaman Zadeh & Sadegh Al- Hosseini, 2012). نهادها نه تنها صافی بین افراد و موجودی سرمایه، بلکه صافی بین موجودی سرمایه و عملکرد اقتصاد هستند. آنها ستانده نظام و همچنین توزیع درآمد را تعیین می‌کنند (North, 2000).

چارچوب نهادی، مجموعه‌ای متشکل از نهادهاست که یکی از مهم‌ترین عناصر هر نظام اقتصادی را شکل می‌دهد. نهادها به مثابه قواعد بازی هر جامعه هستند و چارچوب نهادی به نحوه ترکیب و چیدمان قواعد بازی اشاره دارد. چارچوب نهادی دربر دارنده‌ی مجموعه‌ای از قیود و محدودیت‌ها بر رفتار و عملکرد عوامل انسانی و سازمانی است که تخطی از این قیود و محدودیت‌ها می‌تواند هزینه‌هایی را برای عوامل انسانی و سازمانی خاطی دربر داشته باشد. نهادها ممکن است ناآگاهانه یا آگاهانه و از روی هدف شکل گرفته باشند. از یک منظر می‌توان چارچوب نهادی را به دو زیر مجموعه‌ی نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی تفکیک کرد. نهادهای رسمی که به مثابه قانون شناخته می‌شوند، قوانین اساسی و قوانین عملیاتی را دربر می‌گیرند. قوانین اساسی تعیین‌کننده‌ی ساختار اساسی حقوق مالکیت و توزیع رانت در جامعه است. قواعد عملیاتی شامل قوانین مصوب، قوانین تجارت و قراردادهاست. نهادهای غیررسمی متشکل از قواعد اخلاقی و هنجارهای ارزشی، ایدئولوژیک و سنتی هستند که تا حد تعیین‌کننده‌ی هدایت‌کننده و محدودکننده‌ی رفتار عوامل انسانی در فرایندهای سیاسی و اقتصادی در جامعه است (Zaman Zadeh & Sadegh Al- Hosseini, 2012). هرگونه محدودیتی که از سوی بشر برای شکل‌گیری روابط متقابل صورت‌پذیرد را می‌توان نهاد نامید و شکل‌گیری کنش متقابل انسان در چارچوب نهادها محقق خواهد شد انگیزش‌ها در چارچوب نهادها قد علم می‌کنند و شکل‌گیری عملکرد اقتصاد در چارچوب نهاد پیش می‌رود.

با وجود اینکه درآمدهای رانتی به دولت آزادی عمل می‌بخشد مسئولیت دولت را نیز در قبال بهبود وضع کنونی و آینده اقتصاد بیشتر می‌کند و هرگونه تصمیمی در رابطه با این درآمدها نتایج تعیین‌کننده‌ای را بر اقتصاد تحمیل می‌کند. عملکرد ضعیفی که اغلب کشورهای غنی از منابع طبیعی در مواجهه با این درآمدها از خود نشان داده‌اند سبب شده به جای حرکت مثبت و رو به جلو در دام مصیبت منابع گرفتار شوند و این چارچوب‌های نهادی موجود است که تعیین می‌کند رانت

حاصل از منابع در مالکیت دولت باشد یا مردم و به واسطه آن مسیرهای رشد و توسعه چگونه طی شود. مالکیت دولت بر رانت حاصل از منابع سبب سرریز این رانت به درون نظام اقتصادی شده و تخصیص و توزیع رانت که بر عهده دولت گذاشته می‌شود سبب اثرگذاری شدید بر اقتصاد خواهد شد که در اغلب موارد شاهد ناکارایی دولت‌ها در توزیع این رانت و شکل‌گیری دولت‌رانتی هستیم.

زمان ورود رانت نفت به اقتصاد کشور مسئله‌ای بسیار مهم در چگونگی تاثیرپذیری ساختار دولت و شدت این تاثیرپذیری خواهد بود. اینکه ساختار دولت تاچه حد تحت تاثیر رانت منابع نفتی قرار گرفته و دچار تغییر و تحول می‌گردد، به شرایط موجود ساختار نهادی به ویژه ساختار دولت به هنگام ورود درآمدهای نفتی باز می‌گردد. به نحوی که اگر دولت مستقر در چارچوب نهادی موجود، هنگام ورود رانت نفت سازمانی در حال استقرار و نوپا با نظام بروکراتیک شکننده و ضعیف یا نسبتاً ناکارا در جهت تقویت رشد و توسعه باشد، آنگاه با ورود نفت به کشور، ساختار دولت نه تنها در مدیریت مناسب رانت نفت با شکست مواجه خواهد شد، بلکه در این فرایند تضعیف شده این شکست را تشدید خواهد کرد (Tayeb Nia, et al., 2014).

چنانچه در کشوری بروکراسی عمومی قابل اطمینان و فساد کم باشد منابع طبیعی نه تنها مانعی برای رشد اقتصادی محسوب نمی‌شود بلکه به رشد هرچه بیشتر اقتصاد هم کمک می‌کند. از جمله کشورهایی که موفق شده اند از نفرین منابع گریخته و از آن جهت حرکت رو به جلو استفاده کنند می‌توان به نروژ اشاره کرد در نروژ زمانی نفت پا به عرصه اقتصاد گذاشت که کشور از بروکراسی دولتی با عملکرد خوب برخوردار بود و دموکراسی نیز سابقه طولانی و محکمی داشت و این کشور توانست با بهره‌گیری از این نعمت به ثروت سرانه بالایی دست یافته است با اینکه نروژ از بزرگترین صادرکنندگان نفت است اما با قطع این منبع از بودجه مانع از تغذیه مستقیم دولت از آن شده و با این کار مانع ورود شوک‌ها و نوسانات قیمت نفت بر اقتصاد کشور شده و صندوق دولتی درآمدهای نفتی را پشتوانه‌ای برای دولت قرار داده اما از دست‌درازی به آن جلوگیری به عمل آورده است. این کشور با فرایند بودجه‌ریزی صحیح و ذخیره‌سازی منابع ارزی امکان سیاست‌گذاری پولی مستقل را فراهم آورده است و با ذخیره درآمدهای نفتی در صندوق این درآمدها را به ثروت بین نسلی مبدل ساخته است و یا مالزی که با تنوع بخشیدن به اقتصاد و قطع وابستگی خود به نفت اکنون رشد بالایی را تجربه کرده است و این نمونه‌ها حاکی از آن است که

نحوه و هزینه کرد و توزیع رانت نفت توسط نظام حاکم اقتصادی است که مسئله‌ساز است و گرنه نفت به خودی خود مصیبت یا موهبت تلقی نمی‌شود.

درست است که امکان وقوع پدیده نفرین منابع زیاد است اما این یک قانون از پیش تعیین شده نمی‌باشد بلکه وقوع آن تحت لقاء مدیریت و کیفیت نهادها پدیدار خواهد شد و ساختار نهادی حاکم، یک موضوع تعیین کننده در نحوه تاثیرگذاری درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصادی است و باید نقش ویژه نهادها در انتقال از منابع طبیعی مورد تاکید قرار گیرد (Tayeb Nia, et al., 2014). یکی از راهکارهای مهمی که قادر است مصیبت منابع را به موهبت بدل کند تقویت و ارتقاء کیفیت نهادهاست هرچه در راستای پایداری نهادها قدم مثبت و رو به جلویی برداشته شود امید آن می‌رود که بهره‌مندی منابع نیز اصولی صورت گرفته و در راستای پیشبرد اهداف اقتصادی باشد. کشورهایی که اقتصاد آنها بر نهادهای توسعه یافته مستقر است سیاست‌های پولی بانک مرکزیشان با سیاست‌های دولت هم‌پوشانی دارند و شوک‌های احتمالی وارد آمده نیز در میان مدت و بلندمدت، اقتصاد را متعادل می‌سازد. اما در کشورهایی که هنوز مقدمات و شرایط لازم برای اعمال سیاست‌های مستقل غیرمتکی به یک نهاد مشخص وجود ندارد، احکام مستقل پولی نه تنها کارایی ندارد بلکه دیگر سیاست‌های مالی و حتی فرهنگی و اجتماعی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد (Asgari, 2010).

#### شاخص‌های استقلال بانک مرکزی

برای محاسبه استقلال بانک مرکزی شاخص‌های متفاوتی وجود دارد اما در این میان دو شاخص GMT یا (Grilli & Mseindari & Tabelini (1991) و CWN یا (Cukerman & Webb & Neyapti (1992) در مقایسه با دیگر شاخص‌ها به دلیل اینکه از جامعیت بالا برخوردار می‌باشند بیش از سایر شاخص‌ها مورد توجه محققان قرار گرفته است.

#### شاخص بید و پارکین<sup>۱</sup>

این شاخص را می‌توان به عنوان یکی از نخستین شاخص‌های قانونی استقلال بانک مرکزی

1. Bade and Parkin (1988)

برشمرد. بید و پارکین استقلال قانونی را در دو حوزه سیاسی و مالی تعریف می کنند.

شاخص استقلال سیاسی بید و پارکین متشکل از معیارهای زیر است:

آیا بانک مرکزی بالاترین مسئول سیاست گذاری هاست؟

آیا هیچ مسئول دولتی در شورای سیاست گذاری بانک مرکزی حضور ندارد؟

آیا برخی از اعضای شورای سیاست گذاری بانک مرکزی مستقل از دولت منصوب می شود؟

شاخص استقلال مالی نیز دربرگیرنده موارد زیر است:

استقلال بودجه

تعیین میزان حقوق کارکنان بانک مرکزی توسط خود بانک مرکزی

تخصیص سود و منافع به دست آمده توسط خود بانک مرکزی

#### شاخص گرلی، ماسکیاندارو و تابلینی GMT<sup>۱</sup>

این شاخص که به شاخص GMT نیز معروف است استقلال بانک مرکزی را به دو جزء استقلال سیاسی و اقتصادی تقسیم می کند. شاخص استقلال سیاسی شامل ۸ معیار است و عواملی چون نحوه انتصاب رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک و دوره تصدی آنها و میزان مسئولیت بانک در دستیابی به ثبات قیمت را دربر می گیرد و شاخص استقلال اقتصادی نیز در برگیرنده ۷ معیار است و به عواملی چون توانایی بانک در تعیین و استفاده از ابزارهای سیاست گذاری پولی همچون میزان اعتبار بانک به دولت، تعیین نرخ بهره وام و نرخ تنزیل اشاره دارد.

#### شاخص کوکرم، وب و نیابتی CWN<sup>۲</sup>

این شاخص یکی از معروف ترین و دقیق ترین شاخص ها برای محاسبه استقلال بانک مرکزی محسوب می شود که به دو دسته قانونی و واقعی تقسیم می شود. در شاخص قانونی استقلال بانک مرکزی، ویژگی استقلال به چهار زیرمجموعه زیر تقسیم می شود:

1. Grilli, Mseiandaro and Tabelini (1991)

2. Cukerman, Webb and Neyapti (1992)

قوانین مربوط به ریاست بانک

تدوین سیاست‌ها

اهداف بانک مرکزی

محدودیت اعطای وام به دولت

که این چهار جزء وزن‌هایی اختصاص داده شده و متشکل از ۱۶ متغیر است که هرمتغیر، بین صفر (کمترین درجه استقلال) و یک (بیشترین درجه استقلال) رده‌بندی می‌شود. کوکرمن برای تعیین استقلال بانک مرکزی از شاخص دیگری که بر مبنای عملکرد بانک است نه قانون نیز بهره جسته چون در برخی از کشورهای درحال توسعه مشاهده شده است که حتی اگر قوانین بانک مرکزی کاملاً آشکار باشد ممکن است این قانون در عمل به دقت اجرا نشود به همین دلیل دو شاخص زیر را نیز پیشنهاد می‌کند:

اولین شاخص شاخص نرخ تعویض رئیس بانک مرکزی است و بر این پیش فرض بنا شده است که موارد تعویض رئیس بانک مرکزی (لااقل از حدی به بالا) نشان‌دهنده سطح پایین استقلال می‌باشد و کوتاه بودن دوره تصدی ریاست بانک را نشان دهنده پایین بودن استقلال بانک قلمداد می‌کنند.

شاخص دیگری که استقلال واقعی بانک مرکزی را تعیین می‌کند بر اساس اطلاعات حاصل از عملکرد واقعی بانک می‌باشد و بر اساس پرسش‌نامه‌ای که برای کارشناسان پولی بانک مرکزی ارسال می‌گردد تهیه می‌شود با توجه به اینکه این پرسش‌ها بر اساس عملکرد واقعی بانک طراحی شده است هر قدر شاخص به دست آمده بزرگتر باشد استقلال بانک بیشتر است.

### شاخص گوتیرز<sup>۱</sup>

این شاخص از ۵ جزء اصلی زیر تشکیل شده است:

اهداف بانک مرکزی

مسئولیت بانک مرکزی در برابر سیاست‌های پولی و ارزی

استقلال سیاسی بانک مرکزی  
 استقلال اقتصادی بانک مرکزی  
 حسابرسی

هریک از این ۵ جزء به پارامترهای دیگری نیز تقسیم می‌شود که در بازه (۱ و -) است. و درجه شاخص مربوط به هر یک از گروه‌های اصلی از جمع جبری اجزایش حاصل می‌شود.

**پیشینه پژوهش**

Cukierman & Webb & Neyapti (1992) به رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تورم در ۷۲ کشور (۵۱ کشور در حال توسعه و ۲۱ کشور توسعه یافته) برای سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۹ پرداختند و به این نتیجه رسیده‌اند که در کشورهای توسعه یافته رابطه منفی بین تورم و استقلال بانک مرکزی وجود دارد در حالیکه کشورهای در حال توسعه فاقد چنین همبستگی هستند.

Alsina & Summer (1993) رابطه استقلال بانک مرکزی و متغیرهای کلان را برای ۱۶ کشور اروپایی در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۸۸ بررسی کرده‌اند در این کار از شاخص‌های گرایی و ماسیانداری و تابلینی استفاده کرده و با افزودن ۴ کشور شاخص بید و پارکین را گسترش داده‌اند و در نهایت به رابطه منفی بین استقلال بانک مرکزی و تورم پی برده‌اند اما هیچ همبستگی بین رشد اقتصادی و استقلال بانک مرکزی نیافته‌اند.

Maxwell Fry (1998) به بررسی رابطه کسری بودجه دولت و استقلال بانک مرکزی پرداخته است و داده‌های ۷۰ کشور در حال توسعه را در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۲ مورد مطالعه قرار داده‌است و به این نتیجه رسیده‌است که سیاست‌های مالی در کشورهای در حال توسعه استقلال بانک مرکزی را محدود کرده‌است و رابطه معکوسی بین استقلال بانک مرکزی و کسری بودجه دولت وجود دارد.

Klomp & De Haan (2009) رابطه استقلال بانک مرکزی و بی‌ثباتی مالی را مورد بررسی قرار داده‌اند و ضمن بیان اینکه امکان ندارد استقلال بانک مرکزی به تنهایی برای رسیدن به ثبات قیمت مفید باشد با بررسی داده‌ها در دوره ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۵ به رابطه‌ای منفی میان استقلال بانک مرکزی و بی‌ثباتی مالی دست یافته‌اند و این رابطه را نیز ناشی از استقلال سیاسی می‌دانند نه استقلال اقتصادی.



Hielscher & Markwardt (2012) به بررسی نقش نهادهای سیاسی بر اثربخشی استقلال بانک مرکزی پرداخته است و کیفیت نهادهای سیاسی را در ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و تورم مورد بررسی قرار داده است او با بررسی ۶۹ کشور نشان داده است که لزوماً اعطای استقلال بیشتر به بانک منجر به عملکرد بهتر تورم نمی شود و برای دست یابی به تورم پایین از طریق استقلال بانک مرکزی دو شرط بزرگ بودن تغییرات استقلال و بالا بودن کیفیت نهادها به اندازه کافی را ضروری می داند.

Agoba et al (2017) در مقاله ای به بررسی استقلال بانک مرکزی و تورم در آفریقا پرداخته اند و در این مطالعه به بررسی تاثیرات سیستم های مالی و کیفیت نهادهای سیاسی بر اثربخشی استقلال بانک مرکزی در دستیابی به تورم پایین پرداخته اند. به این منظور ۴۸ کشور آفریقایی را برای دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار داده اند. نتایج حاصل شده گویای آن است که برخلاف کشورهای توسعه یافته در آفریقا و کشورهای در حال توسعه تنها استقلال بانک مرکزی در دستیابی به تورم کافی نیست همچنین نتایج حاکی از آن است که گرچه توسعه بازار سهام اثربخشی استقلال بانک مرکزی را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه افزایش می دهد اما در اثربخشی استقلال بانک مرکزی در آفریقا بی تاثیر است و در آخر بیان می دارد استقلال بیشتر بانک مرکزی توأم با توسعه بخش بانکی و کیفیت نهادی در کاهش تورم موثرتر عمل می کند.

Jafari Samimi & Ahmadi (2001) با بررسی داده های ۴۵ کشور در سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸ رابطه میان درجه استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان را ارزیابی نموده اند و به این نتیجه رسیده اند که وجود بانک مرکزی مستقل ضمن اینکه می تواند نرخ تورم و کسری بودجه را کاهش دهد با کاهش آثار نامطلوب مالیات تورمی نیز همراه است و سبب افزایش رشد اقتصادی و تولید نیز می شود.

Taghipoor & Mousavi Azad Kasmai (2004) به بررسی رابطه بین تورم و استقلال بانک مرکزی در ایران پرداخته اند آنها در این مطالعه با استفاده از داده های ۵۶ کشور در حال توسعه طی دهه ۹۰ به ارتباط معناداری بین تورم و استقلال بانک مرکزی دست نیافته اند. نتایج آنها حاکی از این است که تمام کشورهای در حال توسعه با درجه بالای استقلال بانک مرکزی دارای نرخ تورم پایین نیستند و عواملی از قبیل درجه توسعه یافتگی بازارهای مالی، ساختار درآمدی کشور و نحوه تامین مالی بودجه آنها نیز موثر است.

Asgari (2010) به تاثیر استقلال بانک مرکزی بر نظام مدیریت نقدینگی برای ایران و ۲۱ کشور صادرکننده نفت طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۸ پرداخته‌اند به این منظور مدل اقتصادسنجی در قالب داده‌ای تابلویی و شاخص GMT مورد استفاده قرار داده‌اند که نتایج به دست آمده از این تحقیق بیانگر آن است که کشورهای صادرکننده با درجه استقلال ضعیف‌تر هنگام افزایش قیمت نفت با سیاست‌های انبساطی در قالب رشد بالای نقدینگی روبه‌رو می‌شوند در حالیکه نتایج تخمین برای کشورهای صادرکننده نفت با درجه استقلال قوی‌تر نشان‌دهنده آن است که این گروه از کشورها هنگام افزایش قیمت نفت می‌توانند سیاست‌های پولی کنترل شده‌تری را انتخاب کنند.

Yahyazadehfar et al (2012) به بررسی رابطه بین تورم و استقلال بانک مرکزی در ایران برای سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۸ پرداخته‌اند نتایج حاکی از پژوهش آنها بیان‌کننده رابطه منفی بین استقلال واقعی بانک مرکزی و تورم است. همچنین رابطه بین استقلال حقوقی و تورم نیز منفی است اما ارتباطی بین این دو و تغییرات تورم وجود ندارد.

Yazdani et al (2015) به چگونگی استقلال بانک مرکزی بر ثبات مالی در کشورهای نوظهور پرداخته‌اند در این مطالعه رابطه بین استقلال بانک مرکزی و برخی شاخص‌های ثبات مالی با استفاده از داده‌های ترکیبی پویا در سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۲ در برخی کشورهای نوظهور بررسی شده است و نتایج حاکی از آن است که متغیر استقلال بانک مرکزی اعم از سیاسی - اقتصادی و کل موجب کاهش بی‌ثباتی مالی در این کشورهاست.

Derakhshan Darabi & Mehnatfar (2015) به بررسی رابطه بین درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب پرداخته‌اند. بدین منظور با استفاده از داده‌های ۲۶ کشور منتخب و الگوی رگرسیونی و تحلیل هم‌بستگی کانونی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب را بررسی کردند نتایج این تحقیق حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری میان درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب وجود دارد.

Jafari Samimi & Derakhshan Darabi (2015) به تحلیل نظری و تجربی استقلال بانک مرکزی در ایران پرداخته‌اند. آنها در این تحقیق به بررسی روند استقلال بانک مرکزی در ایران و شناخت عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند. این پژوهش که دارای دو رویکرد جدید است استقلال بانک مرکزی را به صورت پویا و براساس شاخص‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است و نتایج آن نشان‌دهنده این است که استقلال بانک مرکزی از ۱۳۳۹ تا ۱۳۹۱ روند نزولی داشته است که

این نتایج حاکی از تاثیر قوانین توسعه‌ای به ویژه قوانین توسعه بعد از انقلاب بر بانک مرکزی بوده است.

Tehranchi et al (2016) با در نظر گرفتن نوسانات تولید و تورم به عنوان شاخص‌های عملکرد مطلوب اقتصاد کلان به اثر استقلال بانک مرکزی بر این شاخص طی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۳ در ایران پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان دهنده این است که با افزایش استقلال بانک مرکزی از نوسانات تولید و تورم کاسته شده و بر ثبات اقتصاد کلان افزوده شده است.

Boostani & Salavi Tabar (2017) به بررسی استقلال بانک مرکزی در ایران از بعد مالی پرداختند. در این مقاله شاخص استقلال مالی ۰٫۵۳، اندازه‌گیری شده و با استفاده از اطلاعات به دست آمده از بودجه دولت و ترازنامه بانک مرکزی نشان داده شده که بودجه دولت به طور مستمر دچار کسری بوده و این کسری از منابع بانک مرکزی یا فروش اجباری ارز ناشی از صادرات نفت به بانک مرکزی تامین شده و نتیجه این رفتار دولت سبب اثرگذاری بر حجم و اجزای ترازنامه‌ای بانک مرکزی گشته و استقلال مالی را در عمل محدود ساخته است.

اغلب این مطالعات به بیان اثر معکوس میان استقلال بانک مرکزی و تورم، کسری بودجه، بی‌ثباتی مالی و... در کشورهای توسعه یافته دست پیدا کرده‌اند اما نمی‌توان با اطمینان به این نتایج در رابطه با کشورهای در حال توسعه استناد نمود به ویژه کشورهای در حال توسعه نفتی که از وابستگی شدید به درآمد نفت رنج می‌برند. چراکه ساختار سیاسی کشورها نیز در اثرگذاری استقلال بانک مرکزی نقش مهمی را ایفا می‌کند هم‌چنین پاره‌ای از این تحقیقات به رابطه مثبت میان حکمرانی خوب و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی و اثرگذاری آن بر متغیرهای کلان از جمله تورم و ثبات قیمت و... نیز اشاره دارند که این نتایج نیز مهر تاییدی بر این مدعاست که استقلال بانک مرکزی به تنهایی در دستیابی به ثبات اقتصادی کافی نیست و همراهی نهادهای سیاسی را نیز برای دستیابی به این مهم به مدد می‌طلبد. از این رو تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی رابطه میان درآمد نفت و کیفیت نهادهای سیاسی و اثر تعاملی این دو عامل بر استقلال بانک مرکزی پردازد.

### روش‌شناسی

به منظور بررسی الگوی این تحقیق از روش داده‌های تابلویی (پانل دیتا) استفاده می‌شود

داده‌های تابلویی ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی می‌باشد یعنی اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی در طول زمان مشاهده می‌شود. بدین صورت که چنین داده‌هایی دارای دو بعد می‌باشد که یک بعد آن مربوط به واحدهای مختلف در هر مقطع زمانی خاص است و بعد دیگر آن مربوط به زمان می‌باشد. داده‌های پانلی حاوی اطلاعات بیشتر، تنوع گسترده‌تر و هم‌خطی کمتر میان متغیرها بوده و در نتیجه کاراتر می‌باشد. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق مربوط به ۲۵ کشور<sup>۱</sup> بهره‌مند از درآمدهای نفتی طی سالهای ۲۰۰۰ - ۲۰۱۲ می‌باشد.

#### معرفی مدل و متغیرها

از آنجا که هدف این مطالعه بررسی نحوه اثرگذاری رانت و توسعه سیاسی بر استقلال بانک مرکزی است برای پاسخگویی به فروض مطرح شده درجه استقلال بانک مرکزی بر اساس معادله زیر تبیین می‌شود:

$$CBI = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Rent} + \alpha_2 \text{polity} + \alpha_3 \text{Rent} * \text{polity} + \beta \text{Controlvariables} + \varepsilon \quad (1)$$

در این معادله استقلال بانک مرکزی به عنوان متغیر وابسته و رانت و توسعه سیاسی و اثر هم‌زمان این دو به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. هم‌چنین با توجه به مطالعات Cukerman & Webb & Neyapti (1992) و D'Amato, et al., (2009) از نقدینگی، هزینه‌های دولت، شفافیت و توسعه نیز به عنوان متغیر کنترلی بهره گرفته شده است. به علت محدودیت در دسترسی به داده‌های استقلال بانک مرکزی سال‌های مورد بررسی تا ۲۰۱۲ انتخاب شده است. متغیرهای وابسته و مستقل مورد استفاده در تحقیق شامل:

#### CBI : استقلال بانک مرکزی

شاخص مورد استفاده در این مطالعه شاخص Garriga (2016) می‌باشد که استقلال بانک مرکزی را برای ۱۸۲ کشور در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ بر پایه مطالعات Cukerman & Webb & Neyapti (1992) بررسی کرده است. این شاخص بین صفر و یک متغیر است و ارزش بیشتر آن نشان دهنده استقلال بیشتر است.

۱. آلبانی، الجزایر، آرژانتین، استرالیا، آذربایجان، برزیل، کانادا، دانمارک، مصر، اندونزی، ایران، کویت، مالزی، مکزیک، نیوزلند، نیجریه، نروژ، پرو، قطر، رومانی، روسیه، عربستان، امارات، آمریکا، ونزوئلا

**Rent : رانت**

تفاوت بین قیمت محصول و متوسط هزینه تولید آن محصول افزایش رانت منابع طبیعی سبب می شود تا دولت ها با اتکا به درآمدهای رانتی از سایر نهادها بی نیاز شوند. لذا دولت ها در قبال نحوه عملکرد خود به هیچ نهاد و ارگانی پاسخ گو نمی باشند از این رو به راحتی می توانند با فشار وارد کردن به بانک مرکزی سیاست های پولی را تحت تاثیر قرار داده و آن را در راستای سیاست های مالی تنظیم نمایند و استقلال بانک مرکزی را متزلزل کنند.

**Total rent : رانت کل**

عبارتند از مبلغ رانت نفت، اجاره گاز طبیعی، اجاره زغال سنگ (سخت و نرم)، اجاره مواد معدنی و اجاره جنگل

**Polity : توسعه سیاسی**

برای این متغیر از شاخص Polity IV استفاده شده است که عددی بین (۱۰+ و ۱۰-) است و هرچه این عدد بالاتر باشد نشان دهنده بالابودن دموکراسی است. با توسعه نهادهای سیاسی استفاده از رانت منابع طبیعی با نظارت بیشتری اتفاق می افتد. نظارت قوی نهادها سبب کنترل عملکرد دولت شده و مانع از آن می شود که دولت به راحتی به منابع بانک مرکزی چنگ اندازی کرده و با بهره مندی از منابع بانک در صدد رفع مشکلات خود برآید. بالعکس هرچه نهادهای سیاسی ضعیف تر عمل نمایند یا از قدرت کافی برخوردار نباشند، قادر نخواهند بود از رفتارهای سود جویانه دولت جلوگیری نمایند. این امر سبب می شود دولت با فشار به بانک مرکزی در پی دستیابی به اهداف خود برآید و استقلال بانک مرکزی را زیر سوال برد.

**Rent \* polity : اثر تعاملی رانت و توسعه**

اثر توأمان رانت و توسعه را دربر می گیرد.

چنانچه اثر نهادهای سیاسی بتواند بر اثر رانت منابع غلبه کند می توان شاهد اثرگذاری مثبت این متغیر بر استقلال بانک مرکزی باشیم اما چنانچه نهادها قادر نباشند تاثیر رانت را در

سیاست گذاری ها از بین ببرند دولت ها با اتکا به این رانت ها و عدم اعتنا به نظرات سایر نهادها به صورت خود سرانه تصمیم گیری نموده و با تحت فشار قرار دادن بانک مرکزی و دخالت در اتخاذ و اجرای تصمیمات بانکی می توانند استقلال بانک مرکزی را با مخاطره مواجه نمایند .

#### **Liquidity : نقدینگی**

حجم پول در گردش را نقدینگی می گویند که شامل مجموع پول خارج از بانک و سپرده های درخواستی و سپرده ارز خارجی ساکنان به جز دولت مرکزی به همراه گواهی سپرده و اوراق بهادار است.

از آنجا که افزایش نقدینگی از عوامل افزایش پایه پولی است و افزایش پایه پولی نیز یکی از عوامل زمینه ساز بروز تورم می باشد، کنترل تورم نیز یکی از مهم ترین و اصلی ترین وظایف بانک مرکزی است. لذا ممکن است با افزایش نقدینگی شاهد افزایش فشار بر بانک مرکزی و کاهش استقلال آن باشیم.

#### **Expenditure : هزینه دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی**

کلیه هزینه های دولت به همراه سود خالص دارایی های غیرمالی نسبت به تولید ناخالص داخلی هر زمان هزینه های دولت نسبت به درآمدهای آن فزونی یابد شاهد بروز پدیده کسری بودجه خواهیم بود . این امر دولت را مجبور می کند برای تامین کسری بودجه خود و پوشش هزینه هایش به بانک مرکزی رجوع کرده و و با زیر فشار قرار دادن این نهاد و اثر گذاری بر سیاست های پولی در صدد رفع مشکلات خود برآید و با روش هایی چون وام گرفتن از بانک مرکزی کسری بودجه خود را کاهش دهد لذا افزایش هزینه های دولت نباید چندان به نفع استقلال بانک مرکزی باشد

#### **Transparency : شفافیت**

به عنوان شاخص شفافیت از میزان دسترسی افراد جامعه به اینترنت استفاده شده است. کاربران اینترنت افرادی هستند که از اینترنت در هر مکان در ۳ ماه گذشته استفاده کرده اند. اینترنت می تواند از طریق رایانه، تلفن همراه، تلوزیون دیجیتال و... استفاده شود.

هرچه میزان شفافیت بیشتر باشد و عموم مردم بیشتر در جریان عملکرد مسئولین پولی و مالی قرار بگیرند شاهد آن خواهیم بود که فعالیت‌های سیاست‌گذاران بهتر و مناسب‌تر خواهد بود. دسترسی سریع مردم به اطلاعات شفاف سیاست‌گذاران را مجبور می‌نماید که در قبال سیاست‌های پولی و ارزی پاسخ‌گو باشند. و عدم این اطلاع‌رسانی ممکن است اثرات سوء بر استقلال بانک مرکزی داشته باشد.

#### Development : تولید ناخالص داخلی سرانه

جهت نشان دادن توسعه اقتصادی از شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده شده است. تولید ناخالص داخلی تقسیم بر جمعیت سرانه را تولید ناخالص داخلی سرانه گویند که در آن تولید ناخالص داخلی براساس مجموع ارزش ناخالص تمام تولیدکنندگان ساکن در اقتصاد به اضافه مالیات محصول منهای یارانه می‌باشد که در ارزش محصول گنجانده نشده است و بدون کسر استهلاك دارایی‌های تولید شده یا تخلیه و تخریب منابع طبیعی محاسبه شده است. اگر چه ممکن است در کشورهای غیر نفتی شاهد اثرگذاری مثبت توسعه اقتصادی بر استقلال بانک مرکزی باشیم اما از آنجا که بخش اعظم تولید ناخالص داخلی کشورهای نفتی را رانت نفت تشکیل می‌دهد و درآمدهای غیر نفتی تاثیر کم‌تری بر تولید ناخالص داخلی دارند لذا به علت وابستگی به درآمدهای نفتی ممکن است با افزایش تولید ناخالص داخلی تاثیر منفی آن را بر استقلال بانک مرکزی شاهد باشیم.

#### یافته‌های تجربی

نتایج تخمین بیانگر آن است که رانت نفتی دارای اثر منفی اما ناچیزی در سطح معناداری ۹۵ درصد بر روی استقلال بانک مرکزی است. این امر حکایت از آن دارد که یک درصد افزایش در رانت نفتی سبب کاهش ۰,۰۰۴۳ درصد در استقلال بانک مرکزی می‌شود. می‌توان اینگونه استنباط کرد که با افزایش درآمدهای نفتی که به تبع آن شاهد افزایش قدرت مالی دولت نیز خواهیم بود سیطره و نفوذ دولت و سایه اندازی آن بر بانک مرکزی نیز بیشتر خواهد شد و استقلال بانک مرکزی را به صورت معکوس تحت الشعاع قرار خواهد داد. کیفیت نهادهای سیاسی نیز دارای اثر مثبت اما ناچیز در سطح معناداری ۹۵ درصد بر روی استقلال بانک مرکزی است و

افزایش یک درصد در توسعه سیاسی تنها ۰,۰۰۳۱ درصد سبب افزایش استقلال بانک مرکزی می شود که گویای این واقعیت است که با افزایش توسعه سیاسی می توان شاهد بهبود در وضعیت استقلال بانک مرکزی باشیم. هم چنان اثر توامان رانت و توسعه نیز دارای تاثیر معکوس ۰,۰۰۰۱ در سطح معناداری ۹۵ درصد بر روی استقلال بانک مرکزی است. این نتیجه بیانگر آن است که فعالیت های رانت جوینان سبب کاهش قدرت نهادها می شود و تاثیر مثبت نهادهای سیاسی بر استقلال بانک مرکزی را کم رنگ تر می کند.

علاوه بر این موارد شاهد رابطه معکوس و معنادار ۰,۰۰۲۱ نقدینگی بر استقلال بانک مرکزی و رابطه معکوس و معنادار ۰,۰۰۳۳ میان افزایش هزینه های دولت و افزایش استقلال بانک مرکزی می باشیم. افزایش نقدینگی سبب افزایش پایه پولی و فشار بر بانک مرکزی در کنترل تورم خواهد شد که این امر استقلال بانک مرکزی را با مخاطره مواجه می کند. هم چنین افزایش هزینه های دولت سبب می گردد تا دولت برای تامین این هزینه ها به بانک مرکزی به عنوان آسان ترین و ارزان ترین راه ممکن رجوع کرده و درصدد تامین مخارج خود بر آید.

استقلال بانک مرکزی با شفافیت رابطه مستقیمی و معناداری دارد و هرگونه افزایشی در شفافیت سبب بهبود ۰,۰۰۱۲ درصدی در وضعیت استقلال بانک مرکزی می شود. در پی افزایش شفافیت آگاهی عمومی افزایش یافته و در نتیجه کیفیت دموکراسی بهتر خواهد شد. افزایش آگاهی مردم مسئولین پولی و مالی کشور را وادار می کند تا در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند که این امر دارای اثرات مثبتی بر استقلال بانک مرکزی است. در ادامه باید به اثر منفی و ناچیز تولید ناخالص سرانه (۰,۰۰۰۰۰۲۹۱) بر استقلال بانک مرکزی اشاره کرد که در سطح ۹۵ درصد نیز معنادار است و بیان کننده این امر است که هرچه تولید ناخالص سرانه افزایش می یابد شاهد کاهش در میزان استقلال بانک مرکزی هستیم. از آنجا که منبع اصلی درآمد در کشورهای نفتی درآمد نفت است و درآمدهای غیر نفتی تاثیر کم تری بر تولید ناخالص داخلی دارد از این رو افزایش تولید ناخالص داخلی به علت وابستگی به درآمدهای نفتی دارای اثر منفی بر استقلال بانک مرکزی است.

علاوه بر رانت نفت در این تحقیق به بررسی تاثیر سایر رانت ها بر استقلال بانک مرکزی نیز پرداخته شده است که در ادامه به بیان آن می پردازیم:

همان گونه که در جدول ۲ نیز قابل مشاهده است رانت گاز دارای تاثیر معناداری بر استقلال



بانک مرکزی نمی‌باشد. همانند قبل شاهد تاثیر مثبت و معنادار کیفیت نهادهای سیاسی بر روی استقلال بانک مرکزی می‌باشیم. این نتیجه نشان دهنده آن است که بهبود کیفیت نهادهای سیاسی همواره به بهبود در وضعیت استقلال بانک مرکزی منجر می‌گردد. اما همان گونه که از بررسی اثر توامان رانت و توسعه نیز پیداست رانت گاز اگر چه به تنهایی بر استقلال بانک مرکزی اثرگذار نیست اما مانند رانت نفت سبب کاهش قدرت نهادها می‌شود و تاثیر مثبت نهادهای سیاسی بر استقلال بانک مرکزی را کم‌رنگ‌تر می‌کند.

جدول ۱. نتایج تخمین رانت نفت

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Oil	۰۰۴۳/۰-	۰۰/۰
Polity	۰۰۳۱/۰	۰۱۷/۰
Oil*polity	۰۰۰۱/۰-	۰۰۴/۰
Development	۰۰۶۸-۹۱/۲-	۰۰/۰
Liquidity	۰۰۲۱/۰-	۰۰/۰
Expenditure	۰۰۳۳/۰-	۰۰/۰
Transparency	۰۰۱۲/۰	۰۰/۰
Cons	۸۳۳۸/۰	۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. نتایج تخمین رانت گاز

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Gas	۰۰۳۴/۰	۲۶۱/۰
Polity	۰۰۸۶/۰	۰۰/۰
Gas*polity	۰۰۱۲/۰-	۰۰۶/۰
Development	۰۰۶۸-۱۰/۳-	۰۰/۰
Liquidity	۰۰۱۷/۰-	۰۰/۰
Expenditure	۰۰۲۴/۰-	۰۰/۰
Transparency	۰۰۰۸/۰	۰۰۳/۰
Cons	۷۳۵۹/۰	۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی رانت جنگل‌ها بر استقلال بانک مرکزی نشان می‌دهد که رانت جنگل دارای تاثیر معناداری بر استقلال بانک مرکزی نمی‌باشد. هم‌چنان اثر کیفیت نهادهای سیاسی بر روی استقلال بانک مرکزی مثبت و معنادار است. اما شاهد تاثیر معنادار این نوع رانت و توسعه به طور هم‌زمان بر روی استقلال بانک مرکزی نمی‌باشیم.

جدول ۳. نتایج تخمین رانت جنگل

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Forest	۰.۲۶۴/۰-	۰.۹۰/۰
Polity	۰.۰۸۲/۰	۰.۰۰/۰
Forest*polity	۰.۰۴۱/۰-	۰.۹۹/۰
Development	۰.۰۶-۰.۱۴/۳-	۰.۰۰/۰
Liquidity	۰.۰۱۲/۰-	۰.۰۰/۰
Expenditure	۰.۰۴۳/۰-	۰.۰۰/۰
Transparency	۰.۰۱۰/۰	۰.۰۰/۰
Cons	۷۷۹۳/۰	۰.۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴. نتایج تخمین رانت کل

متغیرها	ضرایب	آماره احتمال
Total rent	۰.۰۳۵/۰-	۰.۰۰/۰
Polity	۰.۰۳۶/۰	۰.۱۰/۰
Total rent*polity	۰.۰۰۱/۰-	۰.۵۲/۰
Development	۰.۰۶-۰.۰۲/۳-	۰.۰۰/۰
Liquidity	۰.۰۰۲/۰-	۰.۰۰/۰
Expenditure	۰.۰۰۴/۰-	۰.۰۰/۰
Transparency	۰.۰۱۳/۰	۰.۰۰/۰
Cons	۸۵۹۳/۰	۰.۰۰/۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت به بررسی تاثیر رانت کل که مجموع از تمام رانت‌هاست بر استقلال بانک مرکزی پرداخته شده است. از آنجا که اغلب این کشورها، کشورهای صادرکننده نفت می‌باشند و بخش عظیم رانت کل آنها متشکل از رانت نفت می‌باشد، رانت غالب در این کشورها رانت نفت بوده و اقتصاد این کشورها غالباً متأثر از رانت نفت می‌باشد لذا شاهد تاثیر منفی و معنادار رانت کل بر استقلال بانک مرکزی می‌باشیم. نتایج تخمین بیانگر آن است که رانت کل دارای اثر منفی اما ناچیزی در سطح معناداری ۹۵ درصد بر روی استقلال بانک مرکزی است و یک درصد افزایش در رانت کل سبب کاهش ۰,۰۰۳۵ درصد در استقلال بانک مرکزی می‌شود. این نتیجه هم‌چنان می‌تواند بیش از پیش اثر رانت نفت بر استقلال بانک مرکزی را تایید نماید. هم‌چون موارد پیش‌تر تاثیر کیفیت نهادهای سیاسی بر استقلال بانک مرکزی مثبت است ولی اثر توامان رانت و توسعه بر استقلال بانک مرکزی معکوس بود و نشان دهنده آن است که فعالیت‌های رانت جویانه با تضعیف

تأثیر نهادهای سیاسی سبب کاهش قدرت این نهادها می‌گردد. لازم به ذکر است تأثیر هر چهار متغیر کنترلی لحاظ شده در تحقیق بر استقلال بانک مرکزی در تمامی تخمین‌ها از لحاظ معناداری و نحوه اثر گذاری مشابه است.

#### نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج به دست آمده گویای این مطلب است که تأثیر رانت نفت بر استقلال بانک مرکزی منفی است این نتایج نشان دهنده آن است که ورود رانت نفت به اقتصاد نه تنها سبب افزایش استقلال بانک مرکزی نمی‌شود بلکه دسترسی دولت به یک منبع درآمدی آسان و بی‌دغدغه سبب خودمختاری هر چه بیشتر دولت و اتکا به رانت نفتی می‌گردد و این عامل سبب جلوگیری از استقلال بانک مرکزی و مانع تراشی برای عملکرد آزاد و منطقی این نهاد و عدم تمکین دولت از سیاست‌های پولی بانک مرکزی در راستای پیشبرد اهداف اقتصادی می‌گردد. اما رابطه مثبتی میان استقلال بانک مرکزی و بهبود کیفیت نهادهای سیاسی برقرار است. هم‌چنین اثر هم‌زمان رانت نفت و توسعه سبب کم‌رنگ‌تر شدن اثر نهادهای سیاسی می‌شود و کیفیت نهادهای سیاسی به علت وابستگی نفتی تضعیف شده و شاخص‌های اتوکراسی پررنگ‌تر شوند که این امر موجب کاهش استقلال بانک مرکزی می‌شود. علاوه بر این موارد شاهد رابطه معکوس و معنادار نقدینگی، هزینه‌های دولت و تولید ناخالص داخلی بر استقلال بانک مرکزی بودیم اما افزایش شفافیت با اثر گذاری مثبت بر استقلال بانک مرکزی سبب بهبود استقلال بانک مرکزی می‌شود. در همین راستا به بررسی تأثیر سایر رانت‌ها بر استقلال بانک مرکزی نیز پرداخته شده است. نتایج این بررسی نشان دهنده آن است که رانت گاز و رانت جنگل‌ها دارای اثر معناداری بر استقلال بانک مرکزی نمی‌باشد ولی تأثیر رانت کل بر استقلال بانک مرکزی هم‌چون رانت نفت معکوس است. می‌توان این گونه استدلال نمود از آنجا که کشورهای منتخب اغلب کشورهای صادرکننده نفت بوده و رانت غالب در این کشورها رانت نفت است و اساس و پایه برنامه‌های اقتصادی دولت در این کشورها مبنای نفتی دارد اثر گذاری این رانت بیش از سایر رانت‌ها به چشم می‌خورد.

همان‌گونه که از نتایج تحقیق برآمده است افزایش در درآمدهای رانتی سبب کاهش استقلال بانک مرکزی می‌گردد به همین دلیل پیشنهاد می‌شود برای افزایش استقلال بانک مرکزی جلوی ورود هرگونه رانت به ویژه رانت نفت که اثرگذارترین نوع رانت در کشورهای نفتی است به

اقتصاد گرفته شود به خصوص که سرریز این درآمد به بودجه دولت باعث شده دولت با اتکا به آن از هر ارگان و نهادی بی نیاز شده و تصمیمات خودمختارانه‌ای اتخاذ نماید. به همین دلیل نخستین گام باید در جهت نحوه صحیح بودجه‌ریزی برداشته شود و اختیارات بانک مرکزی در زمینه اتخاذ سیاست‌های پولی افزایش یابد. هم‌چنین افزایش کیفیت نهادها سبب افزایش استقلال بانک مرکزی می‌گردد از همین رو پیشنهاد می‌شود که در جهت بهبود هرچه بیشتر کیفیت نهادها گام‌های موثر و مثمر ثمری برداشته شود تا از این طریق نیز شاهد عملکرد بهتر و اصولی‌تر بانک مرکزی و استقلال هرچه بیشتر این نهاد در اتخاذ تصمیمات خود در برابر دولت باشیم.

## References

- [1] Adeli, Seyed Mohammad Hossein .(1990) .An Introduction to Central Bank Independence. Tehran . Monetary Banking Research Institute . ( In Persian )
- [2] Agoba, A. & Abor, J. & Osei, K. & Sa-Aadu, J (2017). Central bank independence and inflation in Africa: The role of financial systems and institutional quality. *Central Bank Review* 17(4) : 131-146
- [3] Alsina, A. & Summer, L. H. (1993). Central Bank's Independence and Macroeconomic Performance: Some Comparative Evidence. *Journal of Money, Credit and Banking*, 25 (2): 151-162
- [4] Asgari , Behnam . (2010). Master Thesis in Economic Development and Planning, University of Isfahan ( In Persian )
- [5] Azarmand, Hamid. (2006). The role of political and legal institutions in economic development . *Journal Ravand* , Vol 50,51: Pp 119-170 ( In Persian )
- [6] Bade, R., and M. Parkin. "Central Bank Laws and Monetary Policy." Unpublished Manuscript, University of Western Ontario, 1988. Accessed October 1, 2020
- [7] Behboodi, Davood .(2006) . Iran's economy on the table of oil revenues . Hamedan , Noor Elm ( In Persian )
- [8] Boostani, Reza & Salavi Tabar, Shirin (2017). Investigating the financial independence of the Central Bank of Iran . *Jornal Ravand* Vol 78 : Pp75-108 ( In Persian )
- [9] Cukierman , A. & Webb , S. e Neyapti , B. (1992). Measuring the independence of Central Banks and its effects on policy outcomes . *The World Bank Economic Review*, 6(3) : 353-398
- [10] D'Amato, M. & Pistoiesi , B. & Salsano , F(2009) . on The determinants of central bank independence in open economies. *International Journal of Finance & Economics*. 14(2) : 107-119
- [11] Derakhshan Darabi , Kaveh & Mehnatfar, Yousef .(2015) . Theoretical and empirical study of the relationship between central bank independence and good governance. *Al-Zahra University Economic Development Policy Quarterly* . Vol 4 : 43-70 ( In Persian )

- [12] Dizaji, S . F .(2014). The effects of oil shocks on government expenditures and government revenues nexus (with an application to Iran's sanctions). *Economic Modeling* 40 (C) : 299-313
- [13] Evan Gutierrez , 2003. " Inflation Performance and Constitutional Central Bank Independence: Evidence from Latin America and the Caribbean. " *International monetary fund Working Paper* idec 03 -53, International monetary fund
- [14] Fry, M. (1998). Assessing Central Bank Independence in Dveeloping Countries: Do Actions Speak Louder than Words? .*Oxford Economic Papers*. 50 (3) : 512-529
- [15] Garriga, A.(2016). Central Bank Independence in the World: A New Dataset. *International Interactions*. 42 (5): 849-868
- [16] Grilli, V.& Masciandaro, D. & Tabellini, G.(1991). Political and monetary institutions and public financial policies in the industrial countries. *Economic Policy*. 6 (13) : 341–392
- [17] Hielscher, K. & Markwardt, G (2012). The role of political institutions for the effectiveness of central bank independence. *European journal of political Economy* . 28 (3): 286-301
- [18] Homayouni, Ahmad Ali (2016). The role of political institutions in the effectiveness of central bank independence. Master Thesis in Economics, Allameh Mohaddes Nouri University ( In Persian)
- [19] Jafari Samimi , Ahmad & Ahmadi , Noushin . (2001) . Central Bank independence and its performance in developing countries (including Iran). *Quarterly Journal of Economic Sciences Research Journal* . Vol 4 : Pp 113-132 ( In Persian )
- [20] Jafari Samimi , Ahmad & Derakhshan Darabi , Kaveh . (2015). Central Bank Independence in Iran Theoretical and Empirical Analysis . *Monetary Banking Research Quarterly* . Vol 24 : Pp167-195 ( In Persian )
- [21] Katozian , Mohammad Ali . (2012) . Nine articles on the historical sociology of Iranian oil and economic development. Translated by Alireza Tayeb. Tehran. Publication Center ( In Persian )
- [22] Klomp, J. & De Haan, J (2009). Central bank independence and financial instability . *Journal of Financial Stability*. 5 (4): 321–338
- [23] Madalat ,Korosh . (2000) . Investigating the favorable position and structure of the central bank. Tehran. Monetary and banking research institutes ( In Persian )
- [24] North , Douglass . (2000) . Structure and transformation in economic history. Publication Ney ( In Persian )
- [25] North , Douglass . (1998) . Institutions, institutional change and economic performance. Tehran. Program and budget organization . ( In Persian )
- [26] Taghipoor , Anoushirvan & Mousavi Azad Kasmaei , Afsaneh . (2004) . Investigating the relationship between inflation and central bank independence. *Journal of Planning and Budgeting* . Vol 85 :Pp 59-93 ( In Persian )

- [27] Tayeb Nia , Ali & Zaman Zadeh , Hamid & Shadrokh , Mahdiah . (2014) . The role of institutions in the occurrence of adversity or the gift of oil resources, a rent-seeking pattern with a dynamic stochastic general equilibrium approach. *Monetary and Banking Research Quarterly* . Vol 7 : Pp 443-475 ( In Persian )
- [28] Tehranchi , Amir Mansour & Jafari Samimi , Ahmad & Zarin Eghbal , Hassan . (2016) . The Impact of Central Bank Independence on Production Fluctuations and Inflation in Iran. *Journal of Economic Growth and Development Research*, Vol 30 : Pp 33-54 ( In Persian )
- [29] Vahedi , Mohaddathe. (2015) . Investigating the effect of central bank independence on financial instability: A case study of Mena countries. Master Thesis in Economics and Administrative Sciences, Allameh Mohaddes Nouri University ( In Persian )
- [30] Yahyazadehfar, M. & Mostakhdemin Hosseini, H. & Shababi , H.& Mehrabi Alamdari , A.A. (2012). On the Relationship between Central Bank's Independence and Inflation Rate in Iran . *Int. J. Manag. Bus. Res.* 2(3): 219-232
- [31] Yazdani, Mehdi & Tayebi , , Seyed Komeyl & Yazdani , Nafiseh . (2015) . How central bank independence affects the financial stability of the economy in emerging market countries. *Monetary and Financial Economics Quarterly*. Vol 9 : 132—151 ( In Persian )
- [32] Zaman Zadeh , Hamid & Sadegh Al-Hosseini , Mohammad. (2012). Iran's economy in the throes of development . Tehran . Publication Center ( In Persian )